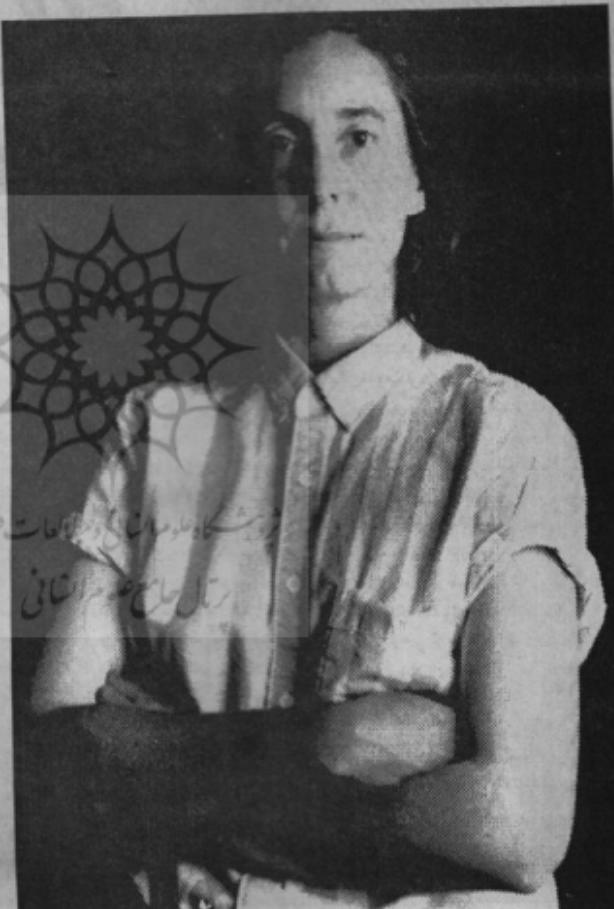


جنی هولزد

هنرمند رسانه‌یی

علی اصغر قره‌باغ



جنتی هولزد، یکی از نامآورترین هنرمندان امروز جهان و ساندنده هنر آمریکا در بینال ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰، در سال ۱۹۵۰ در ایالت اوهایو آمریکا به دنی آمد. جنتی هولزد از همان کوکتی خودش را هنرمند می‌دانست و سراجامه مدرک لیسانس خود را از دانشکده هنر دانشگاه اوهایو دریافت کرد. بعد بعد از دانشکده هنر تزیینی روداپلند رفت و در ۱۹۷۷، پس از فارغ‌التحصیل شدن از این دانشگاه راهی نیویورک شد تا در پرتوهای مطابعی و

ستلی موزه و نمایشگاهی کند. هولزد از نوجوانی نقاشی می‌کرد و بستر بمقابلش اشتراحت تعلق خاطر داشت اما در موزه و نمایشگاهی با یک سلسله کتاب‌های آشنا شد که خودش آن‌ها را کتاب‌های بزرگ‌های نامند. این آشایی سبب شد تا نقاشی را یکسره کبار بگذرد و بدوستگی روی آورد. می‌خواست چکیده و عصارة این کتاب‌ها را در یک مجموعه هیبرات کوته و موجز گردآورد و به باری آن‌ها گرایش و هدایت اش با مردم را نمایش دهد. کلمات قصار او از جملات بدینه و عادی

گرفته تا نقش‌گویی‌ها و متن اعجاب‌انگیزی را در بر می‌گرفت که گویی تابحال تلفظشده و بعضاً در زبان‌های دیگر نداشت. خاصه‌یی که به آن‌ها اشاره می‌کرد نیز گستره برداشته‌یی داشت و از القیمت‌های فرمیکی و علمی گرفته تا روابط اجتماعی و عاطفی. مردم را پوش روی آن‌ها می‌گذاشت. گویی هر روزه و مضمونی که به کار می‌برد اهمیتی همان وراگان نداشت و با کار او جشن‌جویی شد. اگرچه گاه‌گاه در نقاش و در در و انکار پیک‌دیگر سمعنظر می‌اندند. این کار اساس و پایه ایده‌بیان است: او را شکل داد و بمشماره‌ای اجماعید که از آثار سعدی او سیربرآورد، او بسیاری‌ها و شاعرها برانگیزندگی مانند بیول، سلیقه‌یی آورد و اسوء استفاده از قدرت. حیرتی برتری‌گذشته را بمشکلی خشنی بیان می‌کرد. آن‌ها را روی کاغذ معمولی با حروف چاپی ساخته می‌آورد و می‌جیج شرح و توصیف انسانی. همان مردم پخش می‌کرد و با آن‌ها را که گذگاه در نقاشی با یکدیگر هم بودند روی دیوارهای محله سوهه می‌چسباند. بعد بیان آن‌که آب و بات و تأثیرات پیام‌هایش را بیشتر کنند، اندیشه‌کاذفها را بزرگ‌تر گرفت و بر درود پوار شهر نیویورک چسباند. هولزد چنان که گویند از تعازی افکار و اندیشه‌های خود خبر ندارد، فقط به تراویش و تسری ملامه‌ای اجتماعی خود می‌اندیشد و می‌خواست آن‌ها را به تناسب مورد همان کند. هولزد دلیل کنار گذشتن نقاشی را این طور بیان می‌کند: بهنوشتن علاوه‌عند شدم و بدلایل سیاسی و زیبایی‌شنختی، نقاشی کردن را کنار گذشتم. دلیل سیاسی آن بود که با نوشن می‌شد موقعه و منظر برانگیزندگی را اسن از گفت و نشان داد که چرا بمان پرداخته شده است. می‌شد گفت که چه مجبور درست

ترکیب کارهای هولزد از اینجا آغاز
رتال حراج صدر اشان

است و چشمچیز زشت، و نادرست امسا از وجہ زیبایی شناختی، دلیل آن بود که می‌دیدم هیچچیز راه به جای نمیرد، در آن روزها حتی یک تابلو نقاشی که چشگی بدل سازند وجود نداشت و من هم نمی‌خواستم نقاش روابی پاشن، نقاشی چارمسار و راه‌گشایی نبود می‌خواستم حرفم را رک و پوست‌گذنده بزنم، آن قدر توانایی داشتم که گارگان را در حال کارکردن در شرایط دشوار کار تفاسی کنم اما این دردی را درمان نمی‌کرد، نقاشی فرک مورده و بی‌بو و خاصیت شده بود.

جنی هولمز نقاشی را بعاصی‌بافن راهی مطمئن تر برای اینجاد ارتباط با مخاطبان و تمثیلان عالمتر در گسترهای وسیع تر تکار گذاشت، هم‌خط است در تمامی جهان بعنوان یک معلم واحد شناخته شده، سیگل در گفتگویی از او برسد: بیکبار در ۱۹۸۳ گفتند که مردم می‌خواهند زنده بمانند آن هم در شرایط روزگاری که ساخت خطاطران شدایست و زندگی و هستی هر کس در لیه پرخیزه قرار دارد، ما بعنوان هنرمند مؤلف هستیم که این شرایط را تصحیح کنیم.

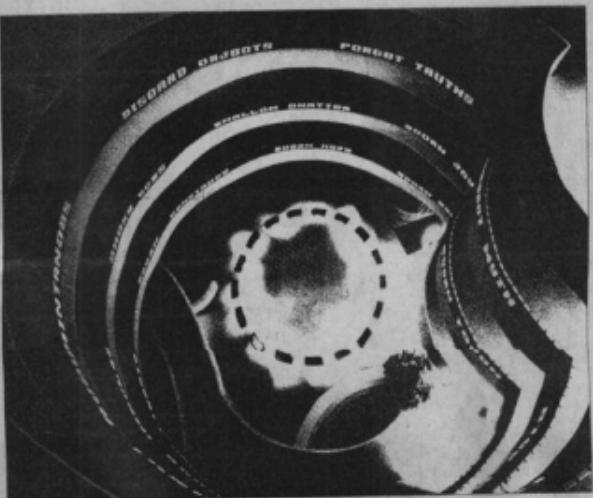
آیا واقعاً این کار را وظیفه و مهد اصلی هنر می‌دانید؟ هولمز در پاسخ می‌گوید: من این را نهانها و وظیفة هنر بلکه وظیفة هرگزی می‌دانم که در قلمروهای فرهنگی و اجتماعی کار می‌کند و خودم هم سعی می‌کنم که هنر در ربط و پیوند با اموری باشد که برای آن، اهم است.

قابلیم البته زندگانیم و زیستن در رأس این امور است، هولمز برخی از آثار خود را در موزه‌ها و گالری‌ها نمایش می‌داد اما تکاپاشه پیشتر معمولی به کارهای بود که در خیابان‌ها در معرض دید و تمثیل ای مردم می‌گذاشت، جویا و خواهان آن بود که حرف‌هایش را چو زندگی روزمره مردم جلوه‌دهد و رهگذار را به توقف و نامل واداری می‌گفت، آنرا که در گالری و نوشتری بود و می‌دانم که این بی‌بال

موزه به تکاپاشه می‌شود مانند متن و کتابی است که در کتابخانه قرار دارد و هرگز می‌داند که در بی‌خواندن چیزی است، اما آن چه در خیابان‌ها در

معرض دید قرار گیرد، از این نسبت این که غرقه امریکا را بر می‌گیرد، از این نسبت این که هولمز در استانه می‌تراند دهه ۱۹۹۰ و دورانی که بنا امسا های سیاسی-اقتصادی و ترازدی روپرورد پیش از اینکه

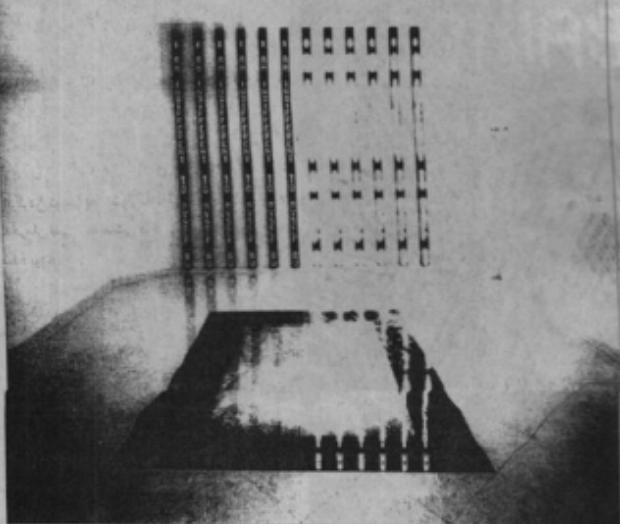
گالری و موزه دارد چراکه مخاطبان و سهستانه ای پیشتری آن را می‌بینند، هنر را باید به عنان مردم بود و با مخاطبان عالمتر درامزت، می‌گوید: این تردید در خیابان اتفاقی می‌اشتد که هرگز در گالری رخ نمی‌دهد در گالری هر چیز شکل و اندازه و محدودیت‌های خودش را دارد و همه‌چیز روشنی است، هولمز درست در نقطه‌ای که رهگذار و مردم عادی انتظار دیدند تبلیغ یک کالا را داشتند، این نوشته نانتظار را می‌آورد که «مالکت خصوصی، چنایت پارسی و



جنی هولمز: موزه گوکنها، نیویورک ۱۹۹۰ - ۱۹۸۹

چشم‌گیری که در خود داشت، هنری نبود که بتوان آن را ناید و گرفت، هولمز با آن که هنر چیزی‌ست را که همگانی بمنظور می‌اند و در سکوتی شبه پیشتر نگذاشته بود، تجربه چهارده سال پرگزاری نمایشگاه افرادی در امریکا و دیگر کشورهای جهان را از سرگزنشده بود، عکس‌اش با راه روى جلد معتبرین مجلات هنری و فرهنگی چاپ شده بود و همه با تابلوهای بزرگی که با باری کامپیوتر و LED می‌ساخت اشتباه داشتند، هولمز از ۱۹۸۳ آغاز تابلوهای را در خیابان‌ها و میدان‌های پرورفت و آمد به متنهای گذشته بود، رهگذاری کاری که در آنها می‌دیدند با نام او آشنا بودند.

جنی هولمز از آثار خود از دوباره که هردو بیرون از هر سنتی خواز در می‌گرفتند استفاده می‌کند، این دو عبارتند از زبان و شاهراه‌ای که کترونیکی هولمز این دو را به سبب طرفت‌هایی که در پیام‌رسانی دارند انتخاب کرده است، هنر هولمز در طبقه‌بندی خاصی نمی‌گنجد اما می‌توان گفته که اینه و اندیشه در کاروان هنر او قرار دارد اما نه به گونه‌ای که اینکه هنر مفهوم‌گرایانه ای باشند زبان بر زبان از خود بگیرند، او من نوشتری را بضرف آن که جزئی و مستبدانه نباشد و نکلی تبلیغاتی بیندازند، سپهار تأثیرگذار می‌داند هال فلست، یکی از متقدنان سرشناس امروزه کار هولمز را پرداختن به دیدهیت و عدم الطافه توییض می‌کند و با تگاهی معمولی به تناقض‌های موجود در شمارهای هولمز، معتقد است که: «با عنوان گزین یکسانه حروله‌ای بی‌اساس و بی‌پایه، به معطّر ساختن اینها و تعبص‌های فردی خود می‌بارد نه بیان حقیقته

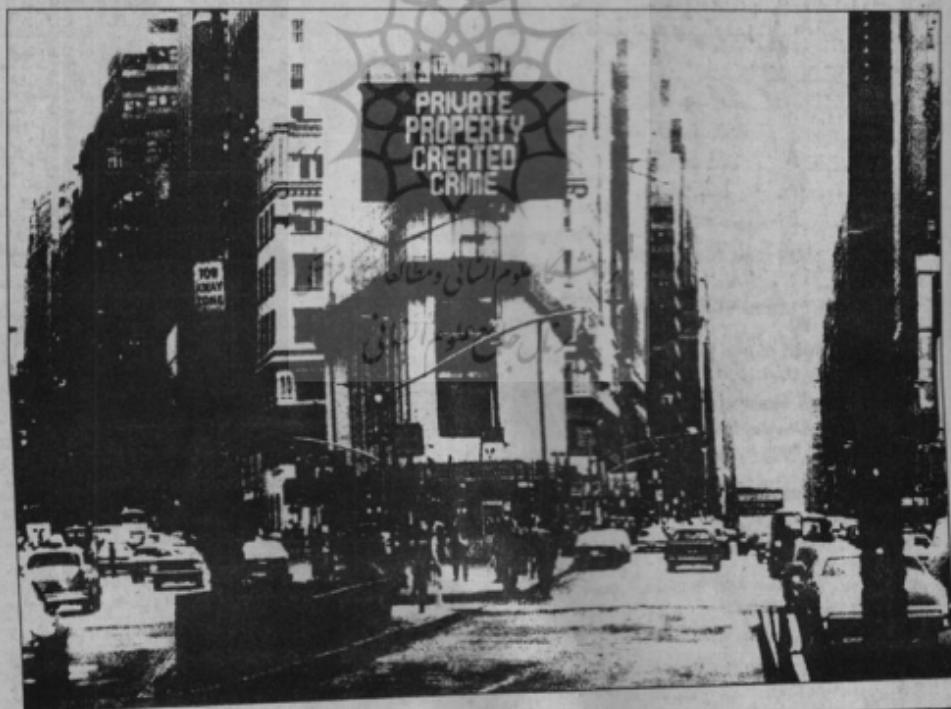


از جنی هولز در غرفة امریکا در بیان و نیز بعنایش گذشت شد

جنی هولز: مالکیت خصوصی چنایت بار آورد، تایم اسکوپر، نیویورک، ۱۹۸۲

اشتراک هال فاستر بمتافقنکویهای گذاشته‌ی هولز است چراکه پیکجا آورده است که «کودکان از همه بی‌رحمتر هستند» و در جای دیگر می‌گویند: «کودکان ایشان را بخوبی بخواهند، یکجا شمار داده است که «کار همگان از اعیان همسان بخوبی دارد است» و جای دیگر آورده است که: مردم استثنای شایستگی انسانیات خاص را دارند، یکی دیگر از کاستی‌های هنر هولز آن است که در پرخی از کارهاش، هر صدا در چندگانگی صدایها و جایی‌جایی زبان گمگوار می‌شود. هولز می‌گوید: «اتفاقاً قصد من هم نشان دادن تأثیرات همین بدیهیات و تناقض‌هایی است که یکی بعد از دیگری در زندگی زیمره بر سر مردم آوار می‌شود و خودنمایی می‌کند، می‌خواهم ابتلای و مسخره بودن این بدیهیات را تماشی دهم. هدف من از شروع کردن با بدیهیات و بعد پرداختن به مضمون دیگر آن می‌شود که سیواسی به مضمون‌های گنو-آنگون سیزار و بدیهیات متناسب‌ترین قالب را برای این کار فراهم می‌آورد. بعد از بدیهیات بود که تو ایستم به یک مسله گفتارهای «دایع هم سروسامان بدهم، بهره‌حال، زمینه و پستر مناسب را بدیهیات فرام آورده».

جنی هولز در این اواخر بیشتر از تابلوهای الکترونیک و پلیوردهای بزرگ استفاده می‌کند





پسی از آثار جنی هولز در غرفه امریکا در میان نیال ویز

- منابع:
- "Art Talk", ed. Jeanne Siegel, Da Capo, New York, 1988
 - Archer, Michael. "Art Since 1960", Thames and Hudson, London 1997
 - "Art After Modernism", ed. Brian Wallis, Godin, Boston, 1996
 - Chadwick, Whitney. "Women, Art and Society", Thames and Hudson, London, 1990
 - Grenz, Stanley. "A Primer in Postmodernism", Cambridge, 1996
 - Heller, Nancy G. "Women Artists", Abbeville Press, New York, 1987
 - "Postmodern Thought", ed. Stuart Sim, Icon Books, London 1999
 - Whele Nigel. "Postmodern Arts", Routledge, London, 1995

برآمده از تلویزیون و تبلیغات بعنوانی می‌آمد، با روزگار و زمانه خود بود و در مناسبت‌ترین مکان ممکن، نسبت شدید بود. ^۷ فوارز هم مانند کوستو و سیسای دیگر از هنرمندان امروز که برای اجرای پروژه‌های خود افراد و مؤسسات را به خدمت می‌کنند، گاهی به مشکل گرفته‌اند. کاری می‌کنند، شووازه‌هی که هولز در سال‌های اخیر برای ارایه پیام خود پیدا کرده، نمایش آن از طریق ویدیو و تلویزیون در خیابان‌ها است.

پابوس‌ها:

Light-Emitting-Diode (LED).^۸
Grace Glueck. "And Now, a Few Words From Jenny Holzer" 1989

۱۰ آن فروردین ۱۳۹۵، ۱۱:۱۱ قوه، به عنوان اکانتنده

می‌گوید: عروی اوردن من به تابلوهای الکترونیک به‌قصد ایجاد ارتباط با مخاطبان عامر و گستردگی است. این تابلوها با پوسټ فرن و فاصله پساز دارد، پوسټ با آن که می‌تواند به تعداد زیاد تکثیر و پددوپیوار نصب شود، گیرایی تابلو الکترونیک را تدارد. تابلویک رسانه دیگر است، حافظه‌گذارهای گسترده دارد، می‌توان چندین پیام را پیکی بعد از دیگری روی آن آورد و از آن جا که نورانی و درخشان است، توجه همگران را باعفود جلب می‌کند. نکاتی که پیموده است می‌بعد از ارزشمند است و آنها را به توقیف و نامل و ایمه‌هارز همیشه از این تابلوها برای تبلیغات استفاده شده است و حال واقعی مردم یک پیام اجتماعی را روی آن بهینه‌سازی کنند می‌خورند و آن را از زاده نمی‌برند. این دستگاه معمولی می‌تواند کار آنی سیار داشته باشد، یکی از امتحانهای اصلی کار جنی هولز از آن است که در پیامهای الکترونیک خود از اشارات و تلویجی استفاده می‌کند که سرشار از معانی و تعبیرگذاری است. بر یکی از تابلوهایش آمده است که «عمل گردیدن اضطراب پیشتری از تکر گردیدن بار می‌آورد»، بر تابلوی دیگر با لحنی استقادامیز اورده است که: «از من در پایین خواسته‌هایم حسایش کن»، هولز در پاسخ چنین سپکل که «اوه صاحب‌الحق! شمالی شکل مستقل از ایله هنر نیست؟» پاسخ می‌دهد از جراحت اما پیشترین نوع اینتلی است. من در جدید سال اخیر کارهایم را در گالری‌ها و موزه‌ها بمعنمایی گذشتگام اما هدف اصلی من کارهای اجتماعی است. اصل‌اکار من برای آن که در جریان زندگی عادی و روزمره مردم دیده شود طراحی شده است. فکر می‌کنم پیشترین تأثیر و تخفی ییدی می‌آید که رهگذری که به چیزی دیگر فکر می‌کند، یکباره این تابلو و یام نامتنظر من روپرتو شود. جنی هولز در جایی دیگر می‌گوید: «می‌خواهم هنری بهینان اورم که اندراک آن برای همگان می‌بیند. باشد، با مردم ربطی پیوسته داشته باشد و برای همه حاضر اهمیت باشد». ^۹ هولز گاه‌گاه بهام خود را روی بلند کامپیون‌های پیزگ نصب می‌کند و آن را از یک ایالت بعماضیات دیگر می‌فرستد. او این‌کار را پیشتر در سمت‌سوی مطرب گردید که مفضل اجتماعی می‌داند. تا شکلی از ایله هنر هولز برای آن که بر پروازی تاره بهتر خود بدهد، برای بخری از موزه‌ها و گالری‌های امیر خود را روی نیمکتهای سنگی، پلاکهای پیزگ و صفحه‌های سنگی گرافیت و مرمر که به شکل سنگ قبر ساخته شده است حک می‌کند و تابلوهای الکترونیک خود را در استادیومهای روشی، میدان‌های پرورفت و آمد، هر از کجا تحریر و را پروری تماراخانه‌های لاس و گاگن نصب می‌کند. یکی از مکان‌هایی که هولز از شمارگانه خود را در آن به نمایش گذاشت معرفه گویلایهای نیویورک بود، روی سخن این اثر که آشکارا

شد